



جلسه پنجم سرکار خانم همیز

بسم الله الرحمن الرحيم و الصلوة ... الى قيام يوم الدين

ما رسم مان این است که تو خونه هامون که تولد می گیریم برای عزیزان، صاحب جشن پذیرایی های خیلی خوبی میکنه از مهمان ها، مهمان ها هم هدیه می برند. امروز تولد پدر منجی عالم آقا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. حتماً جشن در نظام هستی برقرار است برای ایشان و ایشان هم صاحب جشن هستند. حتماً پذیرایی های سنگینی از همه مدعوینشون می کنند و شما هم یک هدیه تقدیم کنید. براساس قلب تان و آن چیزی که دل تان راضی می شود خدمت حضرت دعا کنید که طبیعتاً هر کسی می گوید ما برای تعجیل دعا می کنیم ما صلوات برای ایشان می فرستیم. از ایشان بهره ببریم. چون که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «الا فی ایام و هر کم نفحات فتصّروا التها» آگاه باشید در ایام زندگی شما یک نسیم های بهشتی می وزد، خودتون رو در برابر این نسیم قرار دهید. همین امروز نسیم بهشتی است.

حدود شاید ۲۰ سال پیش بود در دانشگاه بودم. یک روز یک دانشجو آمد گفت: خانم، من یک خواب عجیبی دیدم. قبل از اذان صبح خواب دیدم که یک انسان های خیلی نورانی و خوشگل بال دار از آسمان دارند میان پایین توی دستشون گل و شیرینیه، گفت این قدر حال خوشی پیدا کردم که برای نماز پا شدم نماز خواندم چون عادت دارم برای آمدن به دانشگاه باید زود حرکت کنیم از همون اول صبح که می خواهم صبحانه بخورم رادیو را روشن می کنم. اون موقع ها رادیو تاریخ روز را می گفت: تاریخ روز رو که گفت، گفت: امروز سالروز ازدواج حضرت زهرا و حضرت علی «علیه السلام» است، این قدر خوشحال شدم. باطن عالم رو به من نشون دادن در خواب.

این برای من خیلی جالب بود. هم تفسیر این دانشجو «که خوب جوان ها پاکند و خوب می فهمند و به ایشان الهاماتی که می شود واقعاً حقیقی است» هم به هر حال هر چه باشد خبر از عالم می دهد. از اینکه وقتی شادی هست عالم پر از شادی است. همانطور که محتشم کاشانی در شعرش می گوید: «سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است گویا عزای اشرف اولاد آدم است» یعنی همه عالم در عزا هستند. واقعاً میرزا جواد ملکی^(ره)، در کتاب مراقباتشان می گوید وقتی محرم می آید قلبتان می گیرد خوشحال باشید علامت شیعه بودن تان است چون با نظام هستی هماهنگید.

بنابراین امروز شادیه. اون هم چه شادی، الله اکبر، پدر امام زمان علیه السلام تشریف آوردند. خدمت امام هادی علیه السلام تبریک عرض می کنیم و از ایشان تقاضا می کنیم که به ما نظر لطف کنند شیاطین نفس و ابلیس حقیقی از ما جدا شود و زندگی هایمان خدایی شود و خدا به ما نظر کند. حقیقتاً برای اینکه امام حسن عسکری



علیه السلام را ان شاء الله باهاشون ارتباط برقرار کنیم یک سر بزرگی در این ادعیه‌ای هست که در مفاتیح نوشته شده. خدا رحمت کند شیخ عباس قمی را در انتهای جامعه کبیره در مفاتیح هست گنجینه بزرگی است که امام حسن عسکری علیه السلام این صلوات بر حجج طاهره را گفته، پر از معارف فوق العاده است. یعنی منی که شاید ۳۰ ساله که مطالعات عمیق دینی دارم واقعاً هیچ چیزی را با این قابل مقایسه نمی دانم بسیار کوتاه است مطالبشان بسیار هم کامل است. اصلاً فوق العاده است این صلوات بر حجج طاهره برای ۱۴ معصوم این خصوصیات را گفتند آن قدر زیبا، و بعد هم جالب است که به خودشان که می رسند سکوت می کنند. بعد ابو محمد یمنی می گوید من که کنار ایشان نشسته بودم گفتم آقا چرا شما سکوت کردید؟ گفت: به خدا قسم، اگر وظیفه ام نبود معالم دین را به شما بگویم درباره خودم هیچ چیز نمی گفتم! بعد حدود ۵... ۴ خط از خودشان می گویند. حالا اگر اجازه دهید درس امروزمان را با این زیارت امام حسن عسکری (ع) متبرک کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ

الْأَبَرِّ التَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ النَّوْرِ الْمُضِيِّ

خَازِنِ عِلْمِكَ وَالْمُذَكَّرِ بِتَوْحِيدِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ

وَوَلِّ خَلْفَ أَيْمَةِ الدِّينِ الْهَدَاةِ الرَّاشِدِينَ وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا،

فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبُّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ

مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَحُجَجِكَ وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

اگر کسی از شما پرسد شما چون افراطی هستید می گوید ۱۴ معصوم از همه بالاترند، دلیل تان کجاست؟ آقا ۱۲۴۰۰۰ پیغمبر داریم، ۵ تا پیغمبر اولوالعظم داریم، که یکی شان حضرت محمد (ص) است و جانشینان ۱۴ معصوم از همه این بالاترند. از کجا این حرف درست است؟ مثلاً من می گویم بچه های من بهترین ها هستند. همه تان به من می گوید چون بچه های خودته می گویی. بیا ثابت کن بچه های تو بهترین ها هستند. احساسی داری میگی. درباره ائمه علیهم السلام هم اگر کسی از شما پرسد شما دارید احساسی می گوید، ثابت کنید که این ها افضل هستند، شما چطور می گوید؟

پاسخ (توسط خود استاد): ما در قرآن خیلی نکاتی را داریم که ارائه می دهد که این ها افضل اند. مثل اینکه "انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و مطهرکم تطهیرا" که در حدیث کساء می خوانیم خداوند اراده کرده که رجس را از این ها بردارد و خدا این ها را تطهیر کرده. خدا این ها را برتر کرده. نه اینکه ما می گوییم این ها برترند. و بعد هم در آیه هست که می فرماید: انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین (بخشی از سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۳۴) شما اعلاiid اگر مؤمن باشید. ولی یک نکته خیلی جالبی رو من بگم امروز به شما، هم یک روش



قشنگ است برای اینکه حاجت‌هایتان را بگیرید...

یک روش ختم زیارت عاشورا هست که امام صادق علیه‌السلام این را به صفوان یاد می‌دهند. در مفاتیح آمده اگر حاجت خیلی سختی به شما رو کرد غسل کنید ۲ رکعت نماز بخوانید زیارت عاشورای با صد لحن و صد سلام و دعای علقمه. حالا برای غسل شاید خانم‌ها بعضی اوقات مشکل داشته باشند و یا در شرایطی باشند که موقعیت نماز ندارند غسل و نماز رو اگر ما پراتنر بگیریم، به هر حال خواندن زیارت عاشورای با صد لحن و صد سلام و دعای علقمه را ایشان فرمودند که حتماً شما حاجت‌تان را می‌گیرید.

من خودم یک حاجت بسیار سختی داشتم هرچقدر نذر و دعا می‌کردم نمی‌شد، آخر به این روش امام صادق (ع) سه بار این کار را انجام دادم درها باز شد. خود اطرافیان تعجب می‌کردند چطور این در بسته‌ای که هیچ امکان باز شدن نداشت باز شد.

زیارت عاشورا با صد لحن و صد سلام به روش امام حسن عسکری علیه‌السلام "اللهم العنهم جميعاً صد بار السلام علی الحسين و علی ابن الحسين و علی اولاد الحسين و علی اصحاب الحسين" صد بار و دعای علقمه. مجموعاً زیارت عاشورا (به این کیفیت) با دعای علقمه حدود ۲۰ دقیقه می‌شود که معادل یک جزء قرآن خواندن است.

در اینجا هم امام حسن عسکری علیه‌السلام در مورد صلوات بر حجج طاهره فرمودند: افضل صلوات، خدایا، بر حسن ابن علی افضل صلوات بفرست. أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ بفرست. باید کسی افضل باشد که افضل صلوات را برایش بخوانند دیگر! این خودش خیلی نکته مهمی است.

در دعای علقمه، همان اول سه بار می‌گوید یا الله یا الله یا الله، بعد ۲۳ تا ثنای خدا را می‌گویید. چون می‌گویند می‌خواهید دعا کنید همان اول حاجت‌تان را نگویند. ادب را رعایت کنید. ادب این است که اول خدا را ثنا کنید توسل بجویند بعد حاجت‌تان را بخواهید. دقیقاً دعای علقمه همین‌طور است. همان اول که می‌گویید یا الله و یا الله و یا الله یا حبیب دعوة الضَّطَرِّین ۲۳ جمله در تعظیم خداوند می‌گویید اسئلك، خدایا می‌خواهم، یعنی به من عطا کن به من بده. بحق محمد خاتم النبیین و علی امیر المؤمنین، دوم بحق فاطمه بنت نبیک، سوم بالحق الحسن و الحسين سه تا به حق می‌گوییم و پنج تن را نام می‌بریم. بعد می‌گویید خدایا من به وسیله این‌ها به تو توجه می‌کنم و این‌ها را وسیله می‌کنم برای تو؛

یک خاطره بگویم. ما در دانشگاه یک قانون داریم بچه‌ها ۴ جلسه غایب بشوند از امتحان حذف می‌شوند. واحدشون رو دیگر نمی‌تونن امتحان بدن باید ترم آینده بروند بگیرند. این خیلی براشون ضرر داره. من پارسال یکی از دانشجو هام چهارتا غیبت داشت من هم حذفش کردم به آموزش هم گزارش دادم. سرنماز که نشسته بودیم خانمی که بخش تربیتی دانشگاه را دارد و در بخش فرهنگی کار می‌کند درست بغل دست من داشت



نماز می خواند. یواش در گوش من گفت: بین این دختری رو که حذفش کردی این ترم آخره‌ها، امسال دیگه فارغ التحصیل میشه. این الان به خاطر ۲ واحد درس تو بخواد ۶ ماه دیگه بیاد خدا رو خوش نمی‌یاد. بیا به خاطر من ببخش. من گفتم: خواهش می‌کنم تو خیلی برای من محترمی. ولی من قانون رو اجرا کردم. گفت این ترم آخره. اگر ترم دوم سوم بود وقت داشت. من از تو خواهش می‌کنم. گفتم باشد به خاطر گل روی تو من میرم با آموزش صحبت می‌کنم که امتحانش رو بده. خدا شاهد است همون لحظه اشکام آمد. گفتم منی که آدم معمولی هستم یک آدم آبروداری میاد پیش من میگه من حرفشو گوش می‌کنم آیا می‌شود پیش خدا بروی بهترین آبرودارها را ببری خدا حرفت رو گوش نکنه؟! این اصلاً امکان ندارد.

پس در دعای علقه می‌گوید خدایا "فانی بهم اتوجه" خدایا من به واسطه این معصومین به تو توجه می‌کنم. "الیک فی مقامی هذا" در این جایگاهی که هستم «و بهم اتوسلی و بهم اتشضع الیک» شفاعت این‌ها رو میاورم پیش تو، و بحقهم اسئلك و اقسام و اعظم علیک» خدایا قسمت می‌دهم "بالشأن الذی لهم عندک" شأنی که این‌ها پیش تو دارند "و بالقدر الذی لهم عندک" مقامی که این‌ها پیش تو دارند "بالذی فضلتهم علی العالمین" خدایا تو این‌ها را برعالمین برتری دادی. امام صادق^(ع) در دعای علقمه می‌فرماید خداوند معصومین را برعالم برتری داده، آیا خدا آمده پارتی بازی کرده؟ گفته بیا تو برتر بشو؟

معلم پسر من گفت که بیا پسرت رو برای المپیاد ببریم ما باهاش کار کنیم. بعد گفتم باشه چه جوری؟ شرایطش چیه؟ رفتیم صحبت کردیم گفتند این‌ها روزی ۱۴ ساعت مداوم درس می‌خونن و بعد برای المپیاد آماده می‌شوند و یک فشار سنگین این‌طوری من دیدم به او میاد اصلاً قبول نکردم. گفتم شما ۲۴ ساعت رو، ۸ ساعتش رو برای خواب بردار برای نماز و ناهار هم ۲ ساعت بردار، چی براش باقی می‌مونه؟ و این بچه بخواد ۱۴ ساعت سنگین درس بخونه ۲ سه ساعت هم درس‌های حاشیه‌ای دارد. گفتم نه من نمی‌خواهم برود. می‌خواهم بگویم کسی که المپیاد می‌رود مدال طلا می‌گیره، یک چنین ظرفیتی دارد که می‌رود و انجام می‌دهد، ولی حقیقتاً خدا ائمه علیهم السلام رو برتر کرده نه اینکه این‌ها آقا زاده بودند بخیر. ظرفیتش را داشتند که خدا به آنها عطا کرده. خدایا تو را قسم می‌دهیم به اسم اعظمی که به این‌ها دادی (تخصصاً به این ۱۴ معصوم دادی) به بقیه ندادی. و به آن ممتازشان کردی تا اینکه فوق فضل عالمین این‌ها به دست آورند. این‌ها دنیا، برزخ و قیامت در اختیارشان است و برای شما تغییر می‌دهند. حالا خدایا من که این‌ها را آوردم، خدایا غم، بلا و بدبختی را از من دور کن. در این بخش دعای علقمه، شما عظمت اهل بیت علیهم السلام را از زبان امام صادق یاد گرفتید.

من و تو چند تا شیعه تربیت کردیم؟ آیا بچه‌های من و تو شیعه بیرون می‌آیند؟ وظیفه شما مادران این است که این همه امکانات خدا به شما داده مدرسه‌ای که فوق تصور مدیران مدارس دیگر و کارکنان مدارس دیگر دارند؛



بچه‌های شما رو اهل بیتی تربیت می‌کنند.

بعضی گفتید نکند ما برای شوهرمان تواضع کنیم او پررو شود. بعضی می‌گویند ما این کارها را کردیم، کنار می‌آییم تواضع می‌کنیم، خدمات می‌دهیم، نکنه متوقع باشند همیشه بنا است چنین کاری را بکنم. یعنی من همیشه زیر دست باشم و او بالا دست. می‌دونید این حرف منشاءش چیه؟ منشاء این حرف خیلی خطرناکه. کسی که این حرف را می‌زند تکبر در وجودش هست و وقتی چنین باشد خدا می‌گوید برو دیگر نمی‌خواهمت! این حرف را حضرت علی علیه‌السلام می‌گوید ایشان می‌فرمایند: حواستان باشد ابلیس ۶۰۰۰ سال خدا را عبادت کرد تکبر داشت خدا گفت برو. "انک رجیم"

ما چند سال عبادت کرده باشیم خوب است؟ اگر کسی ۴۰ سالش باشد، ۳۱ سال عبادت کرده کسی ۵۰ سالش باشد، ۴۱ سال عبادت کرده. ما کی می‌توانیم ۶۰۰۰ سال عبادت کنیم؟ خداوند می‌فرماید ۶۰۰۰ سال عبادت را هم من به پیشیزی در مقابل تکبر نمی‌خرم.

اگر من خانم خانه خدمتی در راه خدا به همسر می‌کنم و به بچه‌ام، بعد بگویم آنها پررو می‌شوند این نشانه تکبر من است. این خیلی خوب است که آدم دردش را بفهمد. اگر درد پیدا بشه می‌شود درمانش کرد. وقتی شما نمی‌توانید این دستورالعمل را اجرا کنید خودتان مشکلات نفسانی دارید که خدا درها رو بسته. آیه ۱۲۴ سوره طه، هرکسی از من خدا اعراض کند، زندگی اش تلخ می‌شود.

به واسطه حرص، حضرت آدم از بهشت بیرون افتاد. رفت طرف گندم اضافه خواهی کرد. به واسطه تکبر شیطان رانده شد و به واسطه حسد، قابیل رانده شد که هابیل را کشت. این سه را می‌گویند که علاج‌ناپذیر است.

۴ مرحله از مراحل ورود ایمان در قلب را در گذشته گفتیم. در مرحله ۱ گفتیم انسان نماز می‌خواند بالا می‌رود گناه می‌کند پایین می‌آید. استغفار، راه حل عمومی در این مرحله است. در آیه ۱۰۲ سوره توبه می‌فرماید: و گروه دیگری که به گناهان خود اعتراف کردند و عمل خوب و بد را باهم مخلوط نمودند، امید است که خدا توبه آن‌ها را بپذیرد. قطعاً خدا آمرزنده مهربانی است.

صدقه بدهید به خود پیغمبر^(ص) چون ایشان در برزخ نیستند بلکه در عالم حقیقت هستند. همین که به ایشان سلام می‌فرستید، چون جواب سلام واجب است ایشان هر روز پنج بار در نمازها به شما پاسخ سلام می‌دهند.

در سوره احزاب آیه ۶۹ خیلی جالب است به شما یاد می‌دهد. می‌گوید می‌خواهید خدا از شما دفاع کند؟ باید شما پیش خدا وجیه شوید. شما تا حالا دیده‌اید که مقام معظم رهبری از خودش دفاع کند؟ اصلاً و ابداً. این همه آدم‌های پست دهن گشاد علیه ایشان در روزنامه‌ها می‌نویسند حرف می‌زنند خداوند دفاع می‌کند و حتی به زبان دشمنان خارجی‌شان تعریف از ایشان می‌کنند.

"ان الله يدافع عن الذين آمنوا"



در مرحله دوم گفتیم انسان عبادت می کند و اصلاً گناه نمی کنند یا بلافاصله توبه می کند. انسان وقتی ایمان در قلبش بیاید در دفع گناه به یک قدرتی می رسد.

مرحله سوم، این است که انسان کینه را از قلبش بیرون می کند و دیگر کینه ندارد بلکه همه عالم را زیبا می بیند. شاید تعجب کنید ولی آدم های بد فامیل، باعث قُرب ما به خدا می شوند. چطور؟

از شیطان شما بدتر می شناسید؟ آدم هایی که شیطان به آن ها نزدیک می شود و این ها باتقوا هستند این ها قُرب الی الله برایشان پیش می آید. شیطان را کنار می زنند و به خدا نزدیک تر می شوند.

من اشکالی که در خانم ها می بینم این است که کار که می کنند زود طلبکار می شوند از شوهر. از خدا نمی خواهند از شوهر می خواهند. شوهر چه دارد؟ هیچ کدام از شوهرها نمی توانند خواسته های همسرشان را کامل برآورده کنند حتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام که قبلاً به شما گفتم.

پس زنی که خدانشناس است وقتی خدمات به شوهر می دهد گله می کند و از او متقاضی می شود. کسی که کار خوب کرده از خدا می گیرد و خداوند هم می فرماید من اجر نیکوکاران را ضایع نمی کنم. یک حرف شایعی بین زن ها هست که می گویند دست من نمک ندارد. کسی قدر مرا نمی داند. این چه حرف بیهوده ای است؟ خدا که دارد می بیند. پس آن هایی که آمدند در زندگی ما آتش سوزندند، یک فرصتند تهدید نیستند. چطوری فرصتند؟ دعای ۳۹ صحیفه سجادیّه. در آنجا می گوید خدایا آن کس که به من بدی کرده حق من را برده خورده در دستش است زنده است خدایا من عفویش کردم. تو هم ببخشش.

- استاد چه عالی، ما چقدر راحت از مقام محسنین خود دور می شویم. چقدر این جمله قشنگ بود که ما محسنین می شویم. به خدا وقتی به شوهرتان نیکوکار می شوید محسن هستید. خدا می فرماید من اجر محسن را ضایع نمی کنم.

بعضی می گویند اگر من چیزی نگویم حماقت نیست؟ نه عزیزم، خدا جبران می کند. من می خواهم یک نکته قشنگ امروز یاد بگیرید. این را هدیه بدهید به امام زمان علیه السلام. شما می گوئید منجی عالم خوب، منجی یعنی نجات دهنده. یعنی می رود و کسانی را که دارند نابود می شوند نجات می دهد، در گناه، در بدبختی، در گرفتاری، در فشار، در دعای صحیفه تو اون آدمی که به تو بد کرده را می بخشی، تو منجی می شوی. چرا؟ در دعا خیلی زیبا می گوید خدایا من او را بخشیدم تو هم ببخشش. چرا؟ همه سعید می شویم. همه به همدیگر بدهکار نباشیم. بعد هم می گوید: خدایا، این را از من به عنوان از صدقات المتصدقین قبول کن. پاکیزه ترین صدقه ای که هر صدقه دهنده ای می دهد.

صلاه المقربین یعنی مقربین برای تو صله می آورند. یعنی خدایا، این عفو و بخشش من از این آدمی که به من بدجنسی کرده، من او رو بخشیدم، این رو آوردم پیش تو به عنوان کادو. من یقین دارم من و مادر شهید حججی آن دنیا برویم مادر حججی صله می گیرد از خدا به خاطر این شهیدش، من که ندارم بگیرم. حالا مادر شهید



حججی پسرش را به خدا کادو داده است.

یکی از مادران: من خودم یک تجربه‌ای در زندگی خودم داشتم خیلی به دردم خورد. اونم این بود که گفتم وقتی کسی دارد به من بدی می‌کند، دو مورد وجود دارد، یا واقعاً طرف قصد بدی کردن ندارد، یعنی من دارم بد برداشت می‌کنم یا اینکه قصد بدی کردن دارد اگر قصد نداشته باشد اصلاً نیاز نیست من کدورت و کینه به دل بگیرم. اگر هم داره به من بدی می‌کنه میخواد لجم رو دربیاره وقتی من اصلاً محل نگذارم و به روی خودم نیارم. وقتی آدم با دیگران مشکل پیدا می‌کند اول از همه خودش اذیت می‌شود.

پاسخ: بله. اول خودتان آب می‌شوید که مدام فکر می‌کنید چرا این حرف را زد و آن کار را کرد. باید از این مشغولیت دریابید. چطور؟ در دعای امین الله می‌گوید: خدایا من در دنیا مشغول حمد و ثنای تو باشم. من باید خودم را درست کنم. من باید مشغول خدا باشم.

عاقبت برای آدم‌های باتقواست. نه برای کسانی که غصه می‌خورند گریه می‌کنند نفرین می‌کنند ناله می‌کنند. این‌ها آدم‌های ذلیل‌اند. ضعیف‌اند. به بچه‌ها و شوهرانشان نمی‌رسند همه‌اش مشغول دیگران هستند. پیام یکی از مادران: گاهی اوقات خانواده خودم منو اذیت می‌کنند.

پاسخ: عزیزم فرق نمی‌کند. خانواده خودت حسودند، شما این را نمی‌فهمید. در قرآن می‌فرماید خدایا، به تو پناه می‌برم از شر حسود. می‌خواهد فامیل خودت باشد یا دیگری. حالا من چه کنم؟ جواب‌اش را خوب بدهم. با حکمت و موعظه حسنه جوابش را بدهم. اگر شما ایمان‌تان را قوی کنید، به موقع وارد حرف و عمل می‌شوید. به موقع می‌توانید حرف‌های خوب بزنید و از خودتان هم دفاع کنید.

تمام کسانی که برای ما زحمت درست می‌کنند چه در محل کارمان چه در خانه، خدا دارد می‌بیند و رابطه تو را با آن‌ها کنترل می‌کند. ادفع بالتی هی احسن، دفع کن. جنگی که شیطان در ذهن شما درست می‌کند همه‌اش مشغول آن آدم هستی. مشغول خدا نیستی. عمرتان تلف می‌شود.

امام جواد علیه‌السلام گفتند: گله کردن محترمانه، بهتر از کینه به دل گرفتن است. این خیلی حرف قشنگی است. دل خانه خداست و شیطان با کینه، ما را از محبت حضرت علی^(ع) جدا می‌کند.

بچه‌ها زیاد باشند، مادر مدیر خانه می‌شود. بچه‌ها که کم باشند مادر می‌شود خدمتکار خانه. من کارها رو بین بچه‌ها تقسیم می‌کردم. حتی بین بچه‌های کوچکم. مثلاً ۲ تا سینی برنج رو که می‌خواستم پاک کنم می‌دادم به بچه‌های ۴-۵ ساله‌ام. می‌گفتم این‌ها رو پاک کنید بعد سینی‌ها رو جابجا می‌کردم. می‌گفتم اگر از پاک کرده او تو آشغال در بیاوری به تو جایزه می‌دهم.

این طوری تلاش می‌کرد که اون یکی یک آشغال در بیاورد جایزه بگیرد! بعد آخر چه کسی برنده بود؟ مامان. برنج رو می‌برد می‌شستم آبکشی می‌کردم تمام می‌شد.

یکی از مادران: فامیل همسرم اگر بعضی وقت‌ها با من بد حرف زدند یا توهین کردند، من هم می‌توانستم همان



موقع با ادب و احترام جواب بدم، ولی پیش خودم گفتم بزرگترند زشت است جسارت می شود. خداوند می فرماید به حکمت و موعظه دفع کن. چرا دفع نمی کنی؟ بد نیست! سکوت و در خود ریختن غلط است.

من به دخترم یاد دادم. دخترم دوتا خواهر شوهر قلدر بزرگ آن چنانی دارد خیلی هم آدم ها عزیزی هستند ولی به راحتی این دختر که ۱۰-۱۲ سال از خواهر شوهرهایش کوچکتر است آنها را طوری جذب کرده بچه های کوچکش را پیش این ها می گذارد می رود جلسات، مدرسه، از بیرون که نگاه می کنی میگوئی این دختر چطور توانسته؟ خوب، وقتی آدم حرف می زند تعامل می آید، فهم و شعور می آید، رابطه ها قشنگ می شود، وقتی سکوت می کنی، سخت برخورد می کنی، این ادامه پیدا می کند و کینه می شود و این خیلی بد است.

امام هادی علیه السلام: الْعِتَابُ مِفْتَاحُ الثَّقَالِ وَالْعِتَابُ خَيْرٌ مِنَ الْحَقْدِ بحار الانوار ج ۷۸ ص ۳۶۹ حدیث ۴

هدیه، کینه ها را از دل می برد. در کنار مردان بزرگ، زنان بزرگ هستند. نگویین من و همسرم را به هم می ریزد. تو خودت با همسرت باید رابطات را درست کنی. هیچ کس نمی تواند بین شما را به هم بزند. چون خدا می فرماید: جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً، می فرماید من بین شما مودت و رحمت را گذاشتم.

یکی از مادران: هدیه دادن هم رفع کینه و ناراحتی می کند، با خودمان قرار بگذاریم از هر کس ناراحت شدیم برایش هدیه بخریم. اینجوری باعث می شود که کینه ای به دل نگیرم دوماً کینه را با هدیه دادن از بین می برم تا دلم زنگار نبندد.

پاسخ: البته این یک راهکار است فکر خوبی است. من خودم این کار را می کنم. بعضی ها رو که فکر می کنیم دارند به من بدجنسی می کنند برایشان هدیه می برم. اتفاقاً شیخ طوسی هم همینطور بود. می گویند کسی از شیخ طوسی پیش شاگردانش غیبت کرد، یک طبق خرما برای او فرستاد، از شاگردها پرسید: چرا برای من فرستاد؟ گفت: گناهانم را برداشتی، غیبت منو کردی من برای تو هدیه فرستادم.

یکی از مادران: اگر جواب بدهیم با ما قهر می کنند و محل نمی گذارند.

پاسخ: ببینید. او ترک صلّه رحم کرده تو نکن. قهر کند، بعد آشتی می کند.

یکی از مادران: جاری من با دخترانش جلوی روی من خوبند اما پشت سر جلوی فامیل و مادر شوهر از من بد می گویند. کوچکترین عملکرد من رو زیر سؤال می برند. جلوی روم نمی گویند که جواب بدهم. دیر به دیر همدیگر رو می بینیم جای صحبت نمی ماند.

پاسخ: کاری نداره. بدی تو رو به مادر شوهرت گفتند از زبان مادر شوهرت شنیدی؟ به او زنگ بزن بگو مادر شوهرم میگه شما این حرف رو زدی؟ در شأن شما نبود این حرف رو بزنی! اگر نه؛ مادر شوهر به روی شما نمی آورد، خوب نیارود! هیچ وقت بدجنسی های آدم ها ما رو خوار نمی کند، گناهانمان ما رو خوار می کند. در آیه ۶۹ سوره احزاب می گوید خداوند آنچه را مردم به موسی می گویند دفع می کند، تو رابطات را با خدا



درست کن.

شما رابطه‌تان را با خدا درست کنید، هیچ کس نمی‌تواند علیه شما حرفی بزند. خداوند از مؤمن دفاع می‌کند. اگر من مؤمن باشم خدا دفاع می‌کند، اگر مؤمن نیستم خوب دیگران می‌زنند من هم حقم است باید بخورم. یکی از مادران: همان موقع چیزی نمی‌گویم. بعدش چون می‌دانم اگر بماند باعث کدورت و دلخوری می‌شود بعداً زنگ می‌زنم به ایشان می‌گویم. اصلاً آن روز آن حرف را به من زدید، چیزی از من دیدید یا شنیدید؟ بعداً با حرف زدن همه چی به خوبی تمام می‌شود. خوشحال هم می‌شوند.

پاسخ: این هم خوب است. آفرین. قرآن هم می‌فرماید دفع کنید دوست گرم هم می‌شوید.

یکی از مادران: فامیل شوهرم، مرا بیشتر از شوهرم قبول دارند.

پاسخ: این خطرناک است. نگذار شوهرت را خوار کنند.

من یک تجربه تلخی دارم از خانمی که خیلی خواهر شوهر و مادر شوهر قبولش داشتند و سه‌تایی به جان این مرد می‌افتادند. آخر این زنش را طلاق داد! بچه‌های کوچک هم داشتند.

آیت الله خامنه‌ای می‌فرمایند: زن و شوهر هم سفرند تا بهشت.

شما دو تا باید هم سفر باشید. هر دو باهم بایستی حرکت کنید. یکی عقب و دیگری جلو حرکت کند این اصلاً به درد نمی‌خورد.

من حتی در خانه اگر با شوهرم حرفم می‌شد فوراً مسأله را حل می‌کردیم.

بچه‌هایی که قاضی می‌شوند بعداً خودشان طلاق می‌گیرند. چون می‌گویند ما عقل کلیم. ما پدر و مادر نادان‌مان را هدایت کردیم پس ما عقل کلیم.

با کمال عذرخواهی، شما وقتی پوشک بچه دو ساله‌ات را عوض می‌کنی، بوی تعفن به دماغت می‌خورد یا نه؟ اصلاً چیزی به این بچه می‌دهی؟ می‌اندازی دور. تازه آن بچه را هم تحقیر نمی‌کنی که چرا این کار رو کرده. تمام شد. این را طبیعی وجود این بچه میدانی.

آن پوشک را دور می‌اندازی و بوی تعفنی هم که تو را اذیت کرده فراموش می‌کنی. اگر من به این درجه برسم یعنی ایمانم تثبیت شده است.

دوست داشتنی‌ها رو شیطان به هم می‌زند. شیطان از بین شما واقعاً سعی می‌کند تا جایی که می‌تواند بین شما را به هم بزند و در قرآن هم می‌فرماید: ای پیغمبر، به بنده‌های من بگو (آیه ۵۳ سوره اسراء) حرف‌های زیبا بزنند شیطان قلبتان را از هم می‌کند. حرف‌های بدی که می‌زنید قلبتان از هم کنده می‌شود. این حرف‌ها خیلی مواقع اثرات منفی دارد و واقعاً باید مواظب کلمات‌مان باشیم که دل‌هایمان از هم کنده نشود.

یکی از مادران: خانواده همسر ما اوایل خیلی اذیت می‌کردند اما من کوتاه جواب می‌دهم خیلی هم اذیت شدم، از خداوند متعال خیلی کمک گرفتم با خواندن ادعیه‌ای مثل جوشن صغیر، با رفتار عملی و محترمانه و محبت

آمیز؛ حالا بعد ۱۳ سال خیلی رفتارشان خوب است. همه مشکلاتشان را با من در میان می گذارند. چون شوهرم را هم خیلی قبول دارند الحمدلله دستورات شما هم عالیه. خیلی از راهنمایی شما متشکرم.

پاسخ: الحمدلله، دیگه شما باید خودتان بشوید مشاور خانواده ها تون. من اصلاً چرا مشاوره قبول نمی کنم؟ من می گویم هر کسی باید خودش مشاور خانواده اش بشود.

یکی از مادران: مادر شوهرم را خدا بیامرزد. می گفت هر کس گوشواره را بخواهد باید گوش را هم بخواهد. یعنی اول باید گوش و بعد گوشواره را آدم بخواهد.

وقتی منجی بشوید از زندگی تون لذت می برید. اصلاً خدا ما رو خلق کرده که برای جامعه مان مفید باشیم و طراوت و تازگی بیاوریم. سعی کنیم بدی هایمان را در درون مان دفن کنیم. در قرآن می فرماید: روز قیامت انسان مجرم می گوید ای کاش من خاک بودم، بعد یکی از عرفا خاک را برای ما تفسیر می کرد می گفت در خاک فاضلاب میریزی، آب چشمه بیرون می آید. پر فایده ترین آب، آب چشمه است. کود بدبو در خاک میریزی، خاک بوی عطر گل یاس و گل رازقی و گل محمد^(ص) بیرون می دهد!

روی خاک هفت قدم با پای نجس راه می روی، پای تو را طاهر می کند. این که انسان می گوید ای کاش من خاک بودم یعنی کاش من منجی بودم. ای کاش بدی ها را به خوبی تبدیل می کردم.

طلبة فقیری بود می گفت: خدایا مرا از این فقر نجات بده می رفت در حرم حضرت علی^(ع) نامه می زد یا امیرالمؤمنین، منو از فقر نجات بده. حضرت علی علیه السلام به او گفتند: اگر ما را می خواهی، همین جا بمان فقر رو تحمل کن. اگر پول می خواهی برو هندوستان. گفت آقا من پول می خواهم.

شما را هم می خواهم ولی پول هم می خواهم. گفتند: شما به هندوستان به این آدرس برو فقط با خود صاحب خانه صحبت کن. این جمله ای را که به تو یاد می دهم فقط به صاحب خانه بگو.

گفت: باشد. «به آسمان رود و کار آفتاب کند» → جمله حضرت امیر^(ع)

از قم به هندوستان می رود بعد از چند ماهی که می رسد به آدرس دسترسی پیدا می کند در که می زند، کارگر دم در می آید. می گوید من با صاحب خانه کار دارم.

آخر صاحب خانه دم در می آید. تاجر مهاراجه فلان با قصر آنچنانی، می گوید شما صاحب خانه ای؟ می گوید بله، می گوید: به آسمان رود و کار آفتاب کند.

مهاراجه به زمین می نشیند و اشک می ریزد. میگه بیا تو. به خدمتکارانش می گوید او را حمام ببرید. لباس خوب تنش کنید. او را در اتاق مهمانی می آورند. می گوید: تو که هستی از کجا آمدی؟ می گوید: من طلبه هستم.

چطور مگه؟ می گوید: من حقیقتش شعر درباره حضرت علی گفته بودم

گفته بودم: یه ذره گر نظر لطف بوترا ب کند

مصرع بعد را بلد نبودم. گفت خیلی فکر کردم. بقیه اش را تو آمدی گفتی:



به آسمان رود و کار آفتاب کند

جوابش را حضرت علی (ع) به من داد. بعد پدر خاک، که در قیامت انسان می گوید ای کاش خاک بودم،

امیرالمؤمنین می شود، یا لیتنی کنتُ تراباً ای کاش من خاک می شدم متواضع و... می شدم، علی می شد پدرم!

پس اگر منجی بشوی، علی می شود پدرت، با ولایت علی از دنیا می روی.

جانمان به فدای ابوتراب.

از خدا باید بخواهیم که این کارها را بتوانیم بکنیم.

پایان

جلسه پنجم سرکار خانم همیز